

## چارچوبی تحلیلی برای بررسی گفتمان سیاست خارجی امام خمینی (ره) (ایدئولوژی، استراتژی و دیپلماسی)

ناصر اسدی\* - نگار فنواتی\*\* - امیر رضائی پناه\*\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۴)

### چکیده

در پی انقلاب اسلامی و برآمدن نظام جمهوری اسلامی ایران بر فراز خلیج فارس و خاورمیانه، موج تازه‌ای از ایستارها و انگاره‌ها به پهنه سیاست خارجی ایران و ساختار روابط بین‌الملل وارد شد. اصول و مفاهیم این انقلاب و ساختار سیاسی نوپدید، عموماً متأثر از اندیشه و عمل امام خمینی به عنوان ایدئولوگ و رهبر آن بوده است. این نوشتار با به پرسش گرفتن ساختار نشانه‌شناختی و سامانه مفصل‌بندی گفتمان سیاست خارجی امام خمینی، به دنبال ارائه چارچوبی تبیینی برای تحلیل آن است. برپایه فرضیه نگارندگان، سامانه مفصل‌بندی گفتمان سیاست خارجی امام خمینی، در چارچوب سه‌وجهی ایدئولوژی، استراتژی و دیپلماسی تبیین‌پذیر است. ایدئولوژی، ناظر بر اصول و موازین باورداشتی و اعتقادی است که عموماً از منبع اسلام انقلابی - انتقادی تغذیه می‌شود. استراتژی، محاسبات امنیت‌پایه و سیاست سخت‌افزاری، و دیپلماسی الگوهای پذیرفته‌شده گفتگو و مذاکره برای دستیابی به منافع ملی را دربرمی‌گیرد. برون‌دادهای این گفتمان، خود را به ترتیب در گزاره‌های استوار بر اسلام انقلابی - انتقادی، واقع‌گرا - عمل‌گرا و مصلحت‌اندیش - نوگرا نمایان می‌سازد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ج.ا.ایران، ایدئولوژی، استراتژی، دیپلماسی، امام خمینی.

\* دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

\*\*\* دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) a.rezaeipناه@gmail.com

## مقدمه

سیاست خارجی به‌عنوان حوزه‌ای از سیاست تعریف می‌شود که در پی پل زدن بر مرزهای میان یک ملت- دولت و محیط بین‌الملل است. سیاست خارجی به تصمیم‌ها و کنش‌هایی اشاره دارد که دربردارنده روابط میان بازیگر مستقل (یک دولت) و دیگر بازیگران پهنه بین‌المللی است (Frankel, 1963: 1-3). سیاست خارجی شیوه‌ای را نشان می‌دهد که یک دولت تعدیل می‌یابد، به منافع متمایل به جهان خارج اولویت می‌بخشد و ارزش‌هایی که مهم تلقی می‌نماید را برجسته می‌سازد (MacDonald et al., 2007: 1). انقلاب اسلامی ایران، با کاربست رویکردی انتقادی، موج تازه‌ای از ایستارها را به پهنه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی وارد نمود. مجموع اهداف سیاست خارجی ایران با بررسی قانون اساسی موارد زیر است (قانون اساسی ج.ا. ایران، ۱۳۸۳: ۲۵-۳۱ و ملکی، ۱۳۸۲: ۱۰۰): نخست، سعادت انسان در کل جامعه بشری؛ دوم، استقلال کشور؛ سوم، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی و طرد نظام سلطه در جهان و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین؛ چهارم، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان، ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام و نیز دفاع از حقوق مسلمانان جهان؛ پنجم، نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛ ششم، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و حفظ تمامیت ارضی و نفی و اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی کشور، فرهنگ و ارتش گردد؛ هفتم، روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب و هشتم، صداقت و وفای به عهد در معاهده‌ها.

سیاست خارجی ایران پس از انقلاب، رهاورد برخورد محیط آرمانی نظام با واقعیات موجود درونی، منطقه‌ای و نظام بین‌الملل بوده است. این نظام بدون داشتن نسخه‌ای پیش‌داده و در بستری از آزمون و خطا زاده شده و پیش می‌رود. نوشتار پیش‌رو، در واکاوی مبانی و مبادی ساخت‌یابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، برجسته‌ترین نقش را برای رهبر و بنیانگذار این نظام، امام خمینی، قایل و در پی آن است تا چارچوبی تبیینی را برای درک و تحلیل مبادی نظری و انضمامی گفتمان سیاست خارجی ایشان به‌دست بدهد. این موضوع نه تنها بستری برای شناخت و فهم سیاست خارجی ایشان طراحی می‌کند، که زمینه درک صورت‌بندی‌های سیاست و روابط خارجی ایران پس از انقلاب را نیز فراهم می‌آورد. به باور نویسندگان، گفتمان سیاست خارجی امام خمینی، در چارچوب سه گانه ایدئولوژی، استراتژی و دیپلماسی صورت‌بندی‌پذیر است. بر این مبنا، امام خمینی به‌عنوان رهبر فرهمند انقلابی

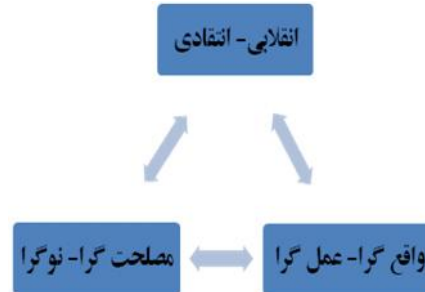
داعیه‌دار بازیابی بنیادهای اسلامی - اعتقادی، ناگزیر بوده تا پیشینه تلاش خود را مصروف تبیین این کیان بنماید. ایشان بیش از هر چیز رهبری ساختارشکن علیه نظام و روابط قدرت موجود، و ایدئولوژی موسس و نظام‌ساز در راستای برآوردن ایده و گفتمان اسلامی - انقلابی نوپای انقلاب اسلامی بوده است. در کنار این بخش، بنیانگذار انقلاب اسلامی به دو پهنه استراتژیک و دیپلماتیک نیز توجه داشته‌اند. توجه ایشان به حوزه راهبردی، بیش از هر چیز از بایستگی‌های پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه لزوم مدیریت جنگ سرچشمه می‌گیرد و رویکردشان به حوزه دیپلماتیک نیز متأثر از پذیرش اصول اولیه مثبت موجود در نظام بین‌الملل، در راستای برقراری ارتباط سازنده با بازیگران این نظام، به‌ویژه کشورهای مستضعف، اسلامی، غیرمتعهد و آزادی‌خواه است.

شکل (۱) ساختار تبیینی گفتمان سیاست خارجی امام خمینی



این نوع نگاه ویژه امام خمینی به پهنه سیاست خارجی، الزامات و نتایجی را فراهم آورده است. برآیندهای ایدئولوژیک گفتمان ایشان ناظر بر کنش‌های استوار بر اسلام انتقادی - انقلابی و برون‌داد آن مکتب‌گرایی و آرمان‌گرایی است. استراتژی کنش‌های استوار بر محاسبات امنیت‌پایه و سیاست‌های سخت‌افزاری را صورت‌بندی کرده و زمینه‌ای برای فهم وجوه واقع‌گرا - عمل‌گرا را در گفتمان امام فراهم می‌آورد. دیپلماسی ره‌آورد تلاش ایشان برای ارتباط مثبت و سازنده با نظام بین‌الملل با کاربست کنش‌های استوار بر الگوهای پذیرفته‌شده گفت‌وگو و مذاکره بوده و مصلحت‌گرایی - نوگرایی را در گفتمان سیاست خارجی ایشان به نمایش می‌گذارد.

شکل (۲) برون‌دادهای گفتمان سیاست خارجی امام خمینی



در بررسی پیشینه و ادبیات پژوهش می‌توان عرضه داشت که تاکنون پژوهشی که سطوح و ابعاد مطرح شده در این مقاله را در کناکش با یکدیگر ببیند ارائه نشده است. در حقیقت این پژوهش به دنبال توسعه نظری است. با این حال، در دنباله برخی از برجسته‌ترین و نزدیک‌ترین پژوهش‌های موجود، در چارچوب و نسبت با مناسبات نظری و انضمامی جستار پیش رو می‌آید.

داستانی بیرکی، علی، (۱۳۸۷)، *سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی (س)*. در این اثر به اصول، مبانی و تشکیلات اجرایی در سیاست خارجی ایران، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، حقوق بشر، خلع سلاح عمومی و صلح بین‌المللی و روابط خارجی ملل اسلامی از دیدگاه رهبر فقید جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. در این کتاب بیش از نظریه‌پردازی، داده‌پردازی مدنظر بوده و گفتمان سیاست خارجی امام خمینی عموماً از زاویه‌ای هویت‌محور تبیین می‌شود.

روحانی، حسن، (۱۳۹۱)، «گفتمان امام خمینی (ره) پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی». این نوشتار نظم گفتمانی امام خمینی پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی یعنی حوزه استراتژیک را در کانون توجه قرار داده است. این مقاله نشان می‌دهد که صورت‌بندی گفتمان امام خمینی در این زمینه مؤدی به احیاء‌گری اسلامی به‌مثابه دال مرکزی بوده و باواسطه عزت‌گرایی به دو عنصر بسیار مهم بازدارندگی و دفاع وظیفه‌محور و تعامل هدفمند و عزت‌مندانه با جهان مرتبط می‌شود. به نظر می‌آید نگارنده بیشتر به هستی‌شناسی و برون‌دانشناسی اندیشه سیاست خارجی امام به‌ویژه در حوزه راهبردی نظر داشته است.

درخور، محمد و هادی ساداتی، (۱۳۹۰)، *بررسی ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره) با تاکید بر دفاع از ملل مستضعف*. این مجموعه

مقالات به بررسی سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی با تأکید بر مسأله عدالت و دفاع از ملل مستضعف می‌پردازد. ویژگی‌های یک سیاست خارجی موفق از نظر امام خمینی و بررسی اهدافی که می‌بایست در صدر برنامه‌ریزی‌های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی قرار گیرد از دیگر مولفه‌های این اثر است.

گروه مولفان، (۱۳۹۲)، *قدرت اسلام و جنگ نرم در اندیشه امام خمینی (ره)*. این نوشتار در سه بخش و دوازده فصل به تبیین اندیشه و سیره امام خمینی در موضوع قدرت دینی و طرح‌های جنگ نرم دشمن و راه‌های مقابله با توطئه‌های دشمنان و حفظ نظام اسلامی می‌پردازد. این نوشتار معطوف به مبانی هویتی وایدئولوژیک سیاست و روابط خارجی ایران در گفتمان امام خمینی است.

Mortazavi Emami, Seyyed Ali, Seyed Javad Emamjomehzadeh, Hosein Harsij, and Hosein Masoudnia, (2014), "Islamic Republic of Iran's Soft Power based on Quranic Teachings and Imam Khomeini's Discourse", *Erudite Journal of Social Science Research (EJSSR)*, Vol. 2(1), pp. 18-26.

از دید نگارندگان این اثر، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مولفه اصلی بقای نظام در عرصه بین‌المللی است. قدرت نرمی که در نظریه مردم‌سالاری دینی مطرح می‌شود و شاخص‌هایی مانند رد سلطه درونی، رد سلطه بیرونی، استقلال خواهی و وابستگی به ارزش‌های شهادت و عدالت را دربر می‌گیرد. مبنای این قدرت نرم از آموزه‌های قرآن، هنجارهای بنیادین، قدرت خلاق، قدرت نرم الهی ریشه می‌گیرد. در این پژوهش، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین مولفه بقای نظام در سه بخش آموزه‌های قرآنی، گفتمان امام خمینی و مردم‌سالاری دینی واکاوی می‌شوند.

Maloney, Suzanne, (2015), *Iran's Political Economy since the Revolution*, Cambridge: Cambridge University Press.

در طول چند دهه پس از انقلاب ایران، چشم‌انداز استراتژیک و مولفه‌های اقتصاد سیاسی در خاورمیانه تغییراتی اساسی کرده است. بر این مبنای پژوهشگران در پی این بوده‌اند که برایندهای آن را واکاوی نمایند. نگارنده در این اثر دیدگاهی جامع به اقتصاد سیاسی ایران از انقلاب ۱۹۷۹ به‌ویژه مبانی برآمده از اندیشه امام خمینی، مطرح و نوعی بررسی مفصل از اقتصاد سیاسی ایران به‌عنوان عنصر مقوم سیاست خارجی و دیپلماسی این کشور ارائه می‌گردد.

Adib-Moghaddam, Arshin, (2014), *A Critical Introduction to Khomeini*, Cambridge: Cambridge University Press.

نگارنده در این کتاب بیان می‌نماید که امام خمینی بنیانگذار انقلاب ایران و یکی از چهره‌های برانگیزاننده سده بیستم است. وجود امام خمینی انقلاب ایران را به‌عنوان یک نیروی

پیشگام در سیاست خاورمیانه و احیای اسلامی مطرح کرده است. این اثر عموم جنبه‌های زندگی امام خمینی را مدنظر قرار داده به بررسی زندگی وی به‌عنوان یک سیاست‌مدار، فیلسوف، واضع سیاست خارجی خاصه در بعد ایدئولوژیک و هویت‌پایه و رهبر معنوی می‌پردازد.

Mavani, Hamid, (2013), *Religious Authority and Political Thought in Twelver Shi'ism: From Ali to Post-Khomeini (Routledge Studies in Political Islam)*, New York: Routledge.

این کتاب نگاهی به مذهب تشیع و اقتدار سیاسی دارد. نگارنده بر ایران و لبنان تمرکز داشته و اثر خود را با توجه به گفتمان امام خمینی درباره دولت اسلامی نگاهشته است. در این اثر مباحث نظری گوناگونی درباره دکتورین رهبری (امامت) در تشیع از دیدگاه‌های سنتی تا دینی، فلسفی و عرفانی مطرح شده‌اند. این بحث نظری، مولفه‌های مذهبی و ایدئولوژیک سازنده دولت اسلامی و سیاست خارجی و روابط بین‌الملل آن را بیان می‌کند.

Mousavian, Hossein and Shahr Shahidsaless, (2014), *Iran and The United States: An Insider's View on the Failed Past and the Road to Peace*, New York: Bloomsbury Academic.

این کتاب به بررسی ریشه‌های نزاع میان ایران و ایالات متحده می‌پردازد. روابط موجود میان ایران و ایالات متحده و دیدگاه‌های متفاوت نسبت به این مسأله بخش اصلی این اثر را شکل می‌دهد. در این زمینه به دیدگاه‌های امام خمینی به‌عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی بسیار ارجاع داده می‌شود. جستار یاد شده همچنین به بسترها و مولفه‌های ایدئولوژیک، استراتژیک و دیپلماتیک موثر در همگرایی و واگرایی روابط میان این دو دولت می‌پردازد.

Razani, Ehsan and Nor Azizan Idris, (2013), "Iran's China Policy at the Time of Ayatollah Khomeini's Leadership: From Distrust to Partnership", *International Journal of Management and Humanity Sciences*, Vol., 2 (8), 733-740.

این مقاله در نظر دارد به بررسی پیشرفت سیاست ایران نسبت به چین در طول دوران رهبری امام خمینی بپردازد. نگارندگان با استفاده از رویکرد واقع‌گرای تلاش می‌نمایند تا بر مهم‌ترین مولفه‌های داخلی و نظام‌مند موثر در تحول سیاست خارجی ایران نسبت به چین در طول یک دهه جنگ سرد تمرکز کنند. این مقاله بیان دارد که نگاه و رویکرد رهبران ایرانی در برابر چین دو مرحله دارد که از بدگمانی در دهه نخست پس از انقلاب اسلامی به مشارکت نسبتاً خوبی در دوران جنگ رسیده؛ این امر تابعی از الزامات استراتژیک ایران (به‌ویژه در حوزه اقتصادی) و مبتنی بر داده‌های ضدغریبی آن تصویر شده است.

Martin, Vanessa, (2007), *Creating An Islamic State: Khomeini and the Making of a New Iran, First published: 2000*, New York: I. B. Tauris.

نوشته ونسا مارتین از نخستین آثاری است که ریشه‌های ایدئولوژیک دولت اسلامی را از دیدگاه امام خمینی (ره) واکاوی می‌نماید. مارتین هدف از نگارش این کتاب را نمایان ساختن پیشینه روشنفکرانه دیدگاه امام خمینی (ره) و تأثیرگذاری دیدگاه‌های ایشان بر انگاره‌های گوناگون، در دو عرصه درونی و بین‌المللی به‌خصوص در حوزه ایدئولوژیک بیان می‌نماید.

Rakel, Eva Patricia, (2008), *the Iranian political Elite, State and Society Relations and Foreign Relations since the Islamic Revolution*, University of Amsterdam, Faculty of Social and Behavioural Sciences.

مهم‌ترین بحث این کتاب این است که سیاست‌های درونی ایران را نمی‌توان با چشم‌پوشی از روابط بین‌الملل درک کرد در حالی که فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بدون در نظر گرفتن سطوح درونی کشور، به‌ویژه در حوزه رهبری عالی آن، امکان‌پذیر نیست و این دو به هم وابسته هستند.

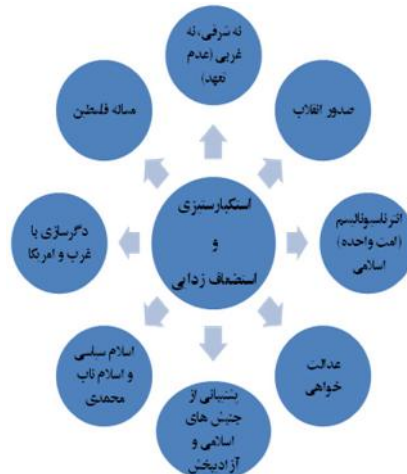
### مبانی ایدئولوژیک گفتمان سیاست خارجی امام خمینی

انقلاب اسلامی به‌رهبری امام خمینی رویدادی بود که اسلام را دستور کار نظام بین‌الملل قرار داد؛ امری که از آن هنگام در غرب ترس از هرگونه کنش سیاسی استوار بر اسلام را القا کرد؛ با این حال از دهه ۱۹۷۰ اسلام به سرچشمه مسلم اقتدار برای مسلمانان سراسر جهان و همین‌طور دولت‌های اسلامی تبدیل شده است (Berger, 2010: 1-5). ایدئولوژی اسلامی از چند راه بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأثیر می‌گذارد؛ نخست، این ایدئولوژی نقشی بسیار مهم در تعیین و تعریف هویت و نقش ملی ایران بازی می‌کند. دوم، از راه تعیین هویت و نقش ملی جمهوری اسلامی، منافع و اهداف ملی آن را تعریف می‌کند و به آن شکل می‌دهد. سوم، چارچوب فکری خاص را پدید می‌آورد که واقعیت‌ها، پیام‌ها و اشارات محیط خارجی و سایر کشورها در چارچوب آن معنا، تفسیر و تعبیر می‌شود. چهارم، تعیین مراحل اصلی تحول تاریخی و تکامل اجتماعی-سیاسی، تصویری خاص از وضعیت حال و آینده جهان ارائه می‌دهد و چشم‌انداز معینی برای کشور ترسیم می‌کند. پنجم، ایدئولوژی اسلامی، یک نظام اخلاقی و ارزشی خاص را برای داوری در مورد سیاست‌ها، اقدامات و رفتارهای جمهوری اسلامی و سایر کشورها پدید می‌آورد (دهقانی، ۱۳۸۹: ۹۰-۹۲). در گفتمان امام خمینی، اسلام سیاسی به‌عنوان یک منبع اعتباربخش جدید برای تغییرات مثبت تعریف می‌گردد و با شعار «اسلام راه حل است» تزیین شده است. ایشان به اسلام به‌عنوان مکتبی فراتر از دین و عبادات می‌نگرند و آن را متفاوت با سکولاریسم دولتی موجود در کشورهای اسلامی می‌دانند

(احتشامی، ۱۳۸۱: ۲۴۹-۲۵۰). منطق چیره در ساختار این گفتمان، ساختاری دو وجهی از اندیشه و کنش را فراوری می‌نماید که در آن مبانی ایدئولوژیک و منافع ملی، هرچند با جایگاه متفاوت، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. هویت با گذشت زمان تغییر می‌کند و موجب تغییر در منافع و رفتار دولت‌ها می‌شود. فهم چگونگی شکل‌گیری منافع دولت، عامل بسیار مهمی در درک بسیاری از مسائل روابط بین‌الملل است (قهرمان‌پور، ۱۳۸۳: ۳۰۶).

ایدئولوژی در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی ناظر بر کنش‌های استوار بر اسلام انتقادی- انقلابی و برآمده از بنیان‌های جهان‌بینی، شناخت‌شناسانه، انسان‌شناختی و فرجام‌شناسانه خاص است. برون‌دادهای این صورت‌بندی گفتمان خود را در گزاره‌ها و کنش‌های مکتب‌گرایانه، آرمان‌گرایانه و وظیفه‌گرایانه نشان می‌دهد. نشانه مرکزی گفتمان ایدئولوژیک امام خمینی را استکبارستیزی و استضعاف‌زدایی می‌سازد. از دیگر نشانگان ایدئولوژیک برجسته آن نیز می‌توان از انگاره‌های نه شرقی، نه غربی (عدم تعهد)؛ صدور انقلاب؛ اسلام سیاسی؛ اسلام ناب محمدی؛ انترناسیونالیسم (امت واحده) اسلامی؛ سیاست نگاه به شرق؛ باور به مرکزیتی میان خودی و غیرخودی (دارالاسلام و دارالکفر)؛ دگرسازی با غرب و به‌ویژه آمریکا؛ مسأله فلسطین و غیریت‌سازی با اسرائیل؛ معنویت‌گرایی و باور به نصرت الهی؛ عدالت‌خواهی؛ ستم‌ستیزی؛ پشتیبانی از جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش؛ باور به تهاجم فرهنگی؛ عزت‌مداری و... نام برد.

شکل (۳) سامانه مفصل‌بندی نشانگان ایدئولوژیک در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی





### دو گانه مستکبر - مستضعف

به طور کلی امام خمینی هم‌پای متحدان به دشمنان نیز توجه دارد. نخستین و منفورترین دشمن، شیطان بزرگ، ایالات متحده بود. پس از آن صدام حسین و اسرائیل قرار داشت. در جهان‌بینی امام خمینی متحدان واقعی، مستضعفین (همه مسلمانان جهان و پس از آن ملل و جنبش‌های اسلامی و آزادی‌خواه) هستند. ساختار نظام نوین ایرانی بر مبنای گفتمان امام خمینی ساخته شده است. ماهیت تکامل سیاست خارجی ایران را می‌توان بر مبنای این میراث این‌گونه بیان کرد (Mozaffari, 1999: 12-13): یکم، امام خمینی در بنا نهادن و تثبیت دولتی نو بر مبنای اصل ولایت فقیه موفق بود. دوم، دولت در نظریه امام خمینی دولتی نیست که مبتنی بر قلمروگرایی و ملیت باشد. از نظر ایشان دولت (ایران) تنها نخستین گام در جهت دستیابی به چیزی است که امت خوانده می‌شود. امت موجودیتی سیاسی است که همه مسلمانان جهان را دربر می‌گیرد. سوم، در ارتباط با محیط بین‌المللی و منطقه‌ای نوعی نفوذناپذیری وجود دارد که به صورت جایگاهی سازش‌ناپذیر در برابر قدرت‌های مخالف داخلی و خارجی بیان می‌گردد. چهارم، دگرسازی و خصومت‌سازی میان اسلام و غرب اجتناب‌ناپذیر است پنجم، باید همه روش‌ها را به کار برد تا به هدف غایی که برپایی نظام جهان اسلامی است دست یافت. از دید امام خمینی هدف نهایی همانا تأسیس یک حکومت عدل اسلامی است (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۴: ۵۱۲).

ایدئولوژی اسلامی امام خمینی یک ایدئولوژی صرفاً اسلامی نیست، بلکه برآیند تاریخ ایران، شرایط و دیگر انگاره‌های جهان‌سومی و ایرانی است. جهان‌بینی امام خمینی استوار بر جنگ قدرت میان مستضعفین و مستکبرین بوده است (Abedin, 2010: 34 و Martin, 2003: 106-107). از دید امام خمینی، جهان صحنه نبرد همواره دو جبهه حق و باطل بوده است. در این آورد، جبهه استکبار همواره می‌کوشد تا با سست کردن بنیادهای اعتقادی مردم جهان آنان را در زیر سلطه خویش درآورد، اما پیروزی پایانی با جبهه مستضعفین است و خداوند وعده داده که آنان را وارثان خود بر روی زمین قرار دهد. در دوره کنونی نیز جمهوری اسلامی وظیفه رهبری مستضعفین جهان را بر دوش دارد: «خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکبار را با دست توانای خود که قدرت مستضعفین است در هم پیچید و ملت عظیم ما را ائمه و پیشوای ملت‌های مستضعف نمود» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۵۲). «باید این نهضت در تمام عالم - نهضت مستضعف در مقابل مستکبر - در تمام عالم گسترده شود. ایران، مبدأ، و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف [باشد]... وعده

الهی که مستضعفین را شامل است، می‌فرماید که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آن‌ها امام بشوند در دنیا، و وارث باشند. امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است؛ مستکبرین غاصبند، مستکبرین باید از میدان خارج بشوند» (صحیفه‌امام، ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۹۲). اندیشه امام خمینی استوار بر مجموعه‌ای به هم پیوسته از تعامل‌ها و تقابل‌ها و هم‌گرایی‌ها و واگرایی‌ها، بر پایه اصول اسلام انقلابی و اصلاح‌گرایانه و ایستارهای انقلاب اسلامی است. ساختار شکنی و شالوده‌شکنی گفتمان‌های رقیب و هم‌آورد درونی و بیرونی، در شمار عوامل جاذب و برتری‌بخش این گفتمان است. گفتمان سیاست خارجی بنیان‌گذار انقلاب، استوار بر خودآگاهی مستضعفان در نبرد با مستکبران جهان بود. آرزوی ایشان ساختن حکومتی برای پابرهنگان، حکومت اسلامی و حزب مستضعفان بود (Dodson and Dorraj, 2009: 78). این ایدئولوژی که ره‌آورد خوانش ویژه‌ای از شریعت اسلام بود، به دگرسازی و خصومت‌سازی با نظام استکبار به رهبری آمریکا و کارگزاران آن در منطقه انجامید. در طول دوران امام خمینی روابط ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس پرتنش بود، آن‌گونه که امام خمینی همواره رژیم‌های سلطنتی آنان را که از دید ایشان وابسته به آمریکا بوده و جمعیت مسلمان و شیعه خود را به استضعاف می‌کشاندند، محکوم می‌کرد (Latorre, 2006: 58).

### نه شرقی، نه غربی (عدم تعهد)

این امر که در منطق ایران انقلابی دقیقاً کدام کشورها در جرگه شرقی یا غربی بودند، عموماً آشکار نبوده است (Keddie, 1990: 6-7). امام خمینی ایالات متحده را شیطان بزرگ نامیده است. عدم تعهد و یا سیاست نه شرقی نه غربی از مفاهیم جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی سرچشمه گرفته و در چارچوب همین سیاست، نقش‌ها و اهداف سیاست خارجی ایران فهم شده است (Kamrava and Dorraj, 2008: 96). این انگاره در گفتمان سیاسی امام خمینی نمود فراوانی یافته است: «برنامه ما، در حکومت اسلامی مبنی بر توحید است، و آن‌ها برخلاف این عقیده و ایدئولوژی هستند. بنابراین ما در یک جهت نمی‌توانیم با آن‌ها حرکت کنیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۲۱). «اگر انحراف داشته باشیم، چه به چپ و چه به راست، چه طرف چپ که تعبیر به مغضوب علیهم شده است و چه طرف راست که تعبیر به ضالین شده است در مقابل طریق مستقیم و صراط مستقیم اگر از این راه مستقیم رفتیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۹: ۵۱۳). «ما ایالات متحده را از ایران بیرون انداختیم تا حکومت اسلام را برقرار نماییم. بیرون انداختن

دولت آمریکا بدین معنی نیست که شوروی جایگزین آن شود. شعارهای مردم ما نشان‌دهنده این حقیقت است. آنان در تمام تظاهرات و مبارزاتشان فریاد می‌زدند نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱۵۸).

ایشان این اصل را دو پهنه درونی و بیرونی لازم‌الاجرا می‌دانند (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ۳۶۳) و می‌افزایند «شعار نه شرقی و نه غربی ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به‌عنوان تنها مکتب نجات‌بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ۳۱۹). ایشان این اصل را در راستای قاعده شرعی نفی سبیل تبیین نموده‌اند: «ما منطق‌مان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۴، ۹۱).

#### انترناسیونالیسم (امت واحده) اسلامی

انگیزه‌ها و علایق فراوانی را برای پی‌گیری وحدت اسلامی در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب می‌توان برشمرد. نخست، تأمین امنیت ملی از طریق ایجاد نظمی استوار بر هم‌گرایی و اتحاد سیاسی. دوم، استفاده از راهبرد اتحاد و ائتلاف برای افزایش قدرت ملی از طریق موازنه‌سازی برون‌گرا در برابر تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران. از دیدگاه سیاسی، سومین انگیزه و هدف از اتحاد و وحدت جهان اسلام، ایجاد یک بلوک و قطب قدرت اسلامی در نظام بین‌الملل است که مستقل از قطب‌های دیگر منافع جهان اسلام را تأمین نماید. چهارم، اتحاد و وحدت جهان اسلام از نظر اقتصادی نیز می‌تواند منافع مشترک ایران و دیگر کشورهای اسلامی را تأمین کند (دهقانی، ۱۳۸۹ الف: ۱۵۹-۱۶۹). در گفتمان امام خمینی مسلمانان امت واحده‌ای را تشکیل می‌دهند که مرز میان آن‌ها جعلی و ساخته دشمنان خارجی اسلام است. ایشان با ملی‌گرایی افراطی و صرف مخالف بود چرا که باعث شکست جهان اسلام می‌شد و این امر باید مورد توجه باشد که منافع و اعتلای اسلام باید سیاست‌های دولت‌های اسلامی را تعیین نماید، نه صرفاً منافع ملی (Hunter, 2010: 27) و رمضان، ۱۳۸۶: ۶۰: «اسلام یک ملت واحده است و ممالک اسلامی، مثل محله‌های یک شهر به هم نزدیک‌اند و همه روی قواعد اسلامی موظف‌اند که باهم متحد باشند. و همه زیر پرچم توحید، متحد‌الکلمه با کسانی که برخلاف اسلام هستند، مقابله کنند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۸۵). امام خمینی مشکلات ایران و

جهان اسلام را به ابرقدرت‌ها به‌ویژه آمریکا، نسبت می‌دهند. ایشان اظهار می‌کنند که قدرت اسلام در توانایی آن در یکپارچه کردن مسلمانان و حفظ آنان از بی‌عدالتی نهفته است. بنابراین همبستگی دینی، سیاسی و فرهنگی همه مسلمانان فقط با تسلیم اسلام شدن به‌عنوان تنها سرچشمه اقتدار سیاسی و اخلاقی قابل دستیابی است. رویکرد ایشان با بسیج مسلمانان مستضعف در بیرون راندن ابرقدرت‌ها و سرنگون کردن رژیم‌های کارگزار غربی در سراسر جهان اسلام آغاز می‌گردد. ایشان امپریالیسم، به‌ویژه امپریالیسم آمریکا و اسرائیل، را به‌عنوان مهم‌ترین دشمن ایران، جهان اسلام و جهان سوم می‌دانند (Salamey and Othman, 2011: 200-201).

### صدور انقلاب

صدور انقلاب آگاهی‌بخشی به جوامع مسلمان جهان درباره اصول انقلاب ایران است. روش‌های صدور انقلاب از منظر گفتمان آرمان‌گرای بومی (ایدئولوژیک- سنت‌گرا) سیاست خارجی ایران به رویکردهای نمونه‌گرایی و حمایت‌گرایی تقسیم می‌شود (Downes, 2002: 27-). با این‌که گروه نخست به سرشت نامحسوس و تدریجی مفهوم صدور انقلاب اسلامی باور داشتند، گرایش دوم که با مشخصه فراملی و جهانی انقلاب به‌طور کلی برانگیخته می‌شد، آن‌را به‌عنوان طرحی فعال و برنامه‌ریزی شده برای بازسازی نظام بین‌المللی پیشنهاد داده است. از نظر آن‌ها اسلام باور و ایدئولوژی انقلاب بود، صدور انقلاب را باید به‌عنوان روند عموم انقلاب‌های فراملی دیگر به‌مثابه اصلی برای خودبقایی در نظر گرفت (Bradley, و Sadeghi, 2008: 22-23). با کانون قرار دادن این نشانه، صورت‌بندی گفتمان سیاست خارجی ایران این‌گونه است (تاجیک و دهقانی، ۱۳۸۲: ۶۳-۶۴): یکم، گفتمان‌های سیاست خارجی ایران پس از انقلاب، همواره برآیند تجمیع و تخلیط خرده‌گفتمان‌های گوناگون بوده‌اند. دوم، صورت‌بندی گفتمان سیاست خارجی ایران همواره در جغرافیای مشترک میان واقعیت/حقیقت، درون/برون، تدافع/تهاجم صورت گرفته است. سوم، متن سیاست خارجی ایران عموماً در فرایند حوادث گشایش یافته و نقش‌های آن در هنگامه این حوادث نوشته شده است. چهارم، متن سیاست خارجی ایران همواره مولفه‌های گوناگون داشته است و از این رو بیش‌تر بر هیبت و هویتی موزاییکی جلوه‌گر شده است. پنجم، دال صدور هم به مدلول‌های تهاجمی و هم تدافعی دلالت می‌کند. ششم، ایده صدور صرفاً در تلون و تردد خود میان متن (قلمرو نظر) و زمینه (قلمرو عمل) معنا می‌یابد.

راهبرد امام خمینی برای جامه عمل پوشاندن به جامعیت اسلامی صدور انقلاب نامیده می‌شد که به باوری کلی سیاست خارجی پساانقلابی ایران تبدیل گشت (Linabury, و Fürtig, 2008: 2). در این گفتمان، صدور انقلاب نه تنها هدفی دینی دارد بلکه می‌تواند قدرت ایران را در منطقه افزایش دهد (Marschall, 2003: 11). ایران پساانقلابی همسایگان را نه به‌عنوان دولت‌های ملی مستقل بلکه به‌عنوان بخشی از جهان اسلام تلقی می‌کرد که جمهوری اسلامی و انقلاب در قبال آن‌ها وظایفی دارند چیزی که دیگران به آن دخالت می‌گویند (Chubin 1990: 74). در گفتمان امام خمینی: «صدور انقلاب با رشد اخلاق و حقایق اسلامی نه با زور» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۴۸۳). «معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۸۱). «باید با تبلیغات صحیح، اسلام را آن‌گونه که هست، به دنیا معرفی نماییم. وقتی ملت‌ها اسلام را شناختند، قهراً به آن روی می‌آورند و ما چیزی جز پیاده شدن احکام اسلام نمی‌خواهیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۳۲۱). ایشان می‌افزایند: «صدور انقلاب به لشکر کشی نیست، بلکه می‌خواهیم حرف‌مان را به دنیا برسانیم که یکی از آن مراکز، وزارت امور خارجه است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۴۱۴).

### مسأله فلسطین و دگرسازی با اسرائیل

مسأله فلسطین و دگرسازی با رژیم صهیونیستی، یکی از کیان‌های محوری در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی است. تعیین روز قدس و به کار بردن عباراتی چون غده سرطانی در وصف اسرائیل در همین راستا است. ایشان می‌گویند: «ما طرفدار مظلوم هستیم. هرکس در هر کجا که مظلوم باشد ما طرفدار او هستیم. و فلسطینی‌ها مظلوم هستند. اسرائیل به آن‌ها ظلم کرده است، به این جهت ما طرفدار آن‌ها هستیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۴۸). «اسرائیل غاصب است و هرچه زودتر باید فلسطین را ترک کند. و تنها راه حل این است که برادران فلسطینی هرچه زودتر این ماده فساد را نابود گردانند و ریشه استعمار را در منطقه قطع کنند، تا آرامش به منطقه بازگردد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۷۶). «اسرائیل غاصب است و هیچ‌گونه رابطه‌ای بین ایران و یک مشت غاصب وجود ندارد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۴۰). «از اول مبارزات، قضایای لبنان و فلسطین جز مقاصد اصلی ما بوده است و از مسائل ایران جدا نبوده است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۳۳۹). «ما اسرائیل را طرد خواهیم کرد و هیچ رابطه‌ای با او نخواهیم داشت. اسرائیل، دولت غاصب است و با ما دشمن» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۴۸).

ایشان در مقام چاره‌جویی خاطر نشان می‌سازند: «اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بردارند و با اهداف عالی اسلام آشنا شوند و به سوی اسلام گرایش پیدا کنند، این گونه اسیر و ذلیل استعمار نمی‌شوند. این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکل فلسطین را به وجود آورده، نمی‌گذارد حل شود» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۲۳) و می‌افزایند: «کمک به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت حرام و مخالفت با اسلام است، رابطه با اسرائیل و عمال آن چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی حرام و مخالفت با اسلام است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۳۹).

### پشتیبانی از جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش

در چارچوب منطق امام خمینی که در ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی نهادینه شده است، پشتیبانی و دفاع از حقوق مسلمانان در سه سطح عملی می‌شود؛ نخست، در سطح امت و جهان اسلام به صورت پشتیبانی از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی نمود می‌یابد. دوم، پشتیبانی و دفاع از مسلمانانی که در حال مبارزه برای احقاق حقوق خود هستند. سوم دفاع از حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیراسلامی (دهقانی، ۱۳۸۹: پ: ۱۳۵). سه ویژگی کنش‌گری جنبش‌های اسلامی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای عبارتند از: نخست، این جنبش‌ها بازیگران غیردولتی هستند. دوم، دین، ایدئولوژی، ایده‌ها و انگاره‌ها نقش تعیین‌کننده و مقوم در تکوین، توسعه و تعریف اهداف و آرمان‌های آن‌ها ایفا می‌کند. سوم، انگیزه‌های رفتاری و راهبرد این جنبش‌ها در پی‌گیری اهداف و آرمان‌ها غیرمادی است. پدیده جنبش‌های اسلامی را می‌توان به چهار رهیافت گفتمانی تروریسم، معناگرایی، ساختارگرایی رادیکال و انقلاب‌گرایی تقسیم کرد (دهقانی، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۱). در این میان گفتمان سیاست خارجی امام خمینی به‌ویژه از دو گونه معناگرایی و انقلاب‌گرایی پشتیبانی بیشینه دارد. ایشان بیان می‌کنند: «ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۱۳۸). «ای جنبش‌های آزادی‌بخش؛ و ای گروه‌های در خط به‌دست آوردن استقلال و آزادی! بپاخیزید و ملت‌های خود و ملل اسلامی را هشدار دهید که زیر بار ستم رفتن بدتر و قبیح‌تر از ستم‌کاری است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۳۲). و «کشورهای اسلامی باید از سازمان‌های آزادی‌بخش سراسر جهان دفاع کنند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۹۶).

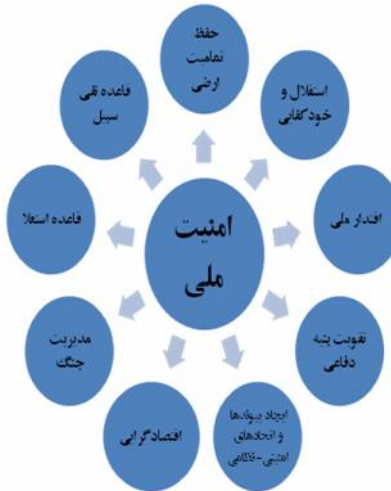
### مبانی استراتژیک گفتمان سیاست خارجی امام خمینی

یکی از چالش‌های نظری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌عنوان نظامی هدف‌محور، رفع تضاد میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. برای رفع این مهم راه‌حل‌های گوناگونی مانند نظریه اترناسیونالیسم اسلامی، ایده حکومت عملی اسلام، آموزه ام‌القری، قواعد وسع و تدرج و نظریه طولی مطرح گردیده است (دهشیری، ۱۳۷۸: ۳۲۹). سیاست خارجی ایران همواره متأثر از آرمان‌گرایی در محیط درونی و واقع‌گرایی در محیط بیرونی بوده است. در حالی که محیط داخلی و تحولات سیاسی آن به دلایل تاریخی و فرهنگی؛ آرمان‌گرایی و بلندپروازی و تبدیل شدن به قدرت برتر را به‌عنوان نقش اصلی سیاست خارجی تعریف کرده‌اند، محیط خارجی و تحولات آن مانعی در برابر این بلندپروازی بوده است (قهرمان‌پور، ۱۳۸۵: ۱۳۵). ایران در دهه ۱۹۸۰ ایدئولوژیک بود و می‌خواست ایدئولوژی خود را گسترش داده و دیگر حکومت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد- هدفی که در پی جنگ ایران-عراق تعدیل شد. از آن پس سیاست خارجی ایران به‌صورتی فزاینده عمل‌گرا و واقع‌گرایانه شد (Saikal, و Keddie, 2006: 322). از هنگام پایه‌گذاری جمهوری اسلامی، سوگیری سیاست خارجی ایران دستخوش پیشرفتی تدریجی از انزوا به سمت عمل‌گرایی بوده است (Rakel, 2008: 148). جنگ عراق علیه ایران عاملی کلیدی در این فرایند بوده است. تجربه تهاجم و کشمکش برای بقا رهبری ایران را نسبت به منافع حیاتی و مرسوم ملی- تمامیت ارضی و حاکمیت ملی- و شیوه‌هایی که نظام بین‌المللی و قوانین آن برای تأمین این منافع قابل‌کاربست بود، آگاه‌تر ساخت (Herzig, 2004: 504). سیاست خارجی ایران در گذشته بیش‌تر استوار بر ایدئولوژی بود اما از میانه جنگ به‌صورتی روزافزون واقع‌گرا، عمل‌گرا و اقتصادمحور شد (Marschall, 2003: i). ایران به خودی‌خود جایگاه ژئواستراتژیک مهمی در تقاطع منطقه دارد. پس از انقلاب سیاست خارجی ایران به‌صورتی رادیکال تغییر یافت. مهم‌ترین تغییرات میان مفاهیم بنیادین بود. پیش از هر چیزی این تغییر درباره تعیین هویت ایرانی- و دو دیدگاه مهم- انگاره‌های امام خمینی در ارتباط با نسبت‌یابی دو مفهوم ملت و امت بود (Kuznetsov, 2013: 31). این موضوع زمینه‌ساز برجسته‌تر شدن دو مفهوم امنیت ملی و منافع ملی و نمودیابی بیش‌تر مبانی استراتژیک و دیپلماتیک در گفتمان سیاست خارجی ایشان گردید.

وجه استراتژیک گفتمان سیاست خارجی امام خمینی مبتنی بر کنش‌های استوار بر محاسبات امنیت‌پایه و سیاست‌های سخت‌افزاری بود. این پهنه، بستر نمایش ساختارهای

واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه در گفتمان سیاست خارجی ایشان است. چنان‌که بیان شد، برجسته شدن این مبانی در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی بیش از هر چیز برآیند برخورد نظام، با واقعیات موجود در پهنه منطقه‌ای و بین‌المللی و درک موقعیت تازه راهبردی و ژئواستراتژیک ایران، بوده که زمینه بازنگری در انتساب دال‌ها، مدلول‌ها و مصادیق را فراهم آورده است. نشانه مرکزی این حوزه را مفهوم امنیت ملی می‌سازد که نشانگان اقتدار ملی؛ استقلال و خودکفایی؛ حفظ تمامیت ارضی؛ تقویت بنیه دفاعی؛ ایجاد پیوندها و اتحادهای امنیتی - نظامی؛ قاعده نفی سبیل؛ قاعده استعلا؛ مدیریت جنگ و جهاد؛ اقتصادگرایی؛ دانش‌افزایی در راستای افزایش قدرت ملی و... به گرد آن می‌گردند.

شکل (۴) سامانه مفصل‌بندی نشانگان استراتژیک در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی



### حفظ تمامیت ارضی و تقویت بنیه دفاعی

از دید امام خمینی، ایران کانون جبهه حق در نبرد با جبهه باطل است. در این منطق که به گونه‌ای روزافزون در جریان تحولات جنگ تحمیلی تقویت می‌شد، اولویت نخست باید نگهداشت و پاسداری از کیان جمهوری اسلامی به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام باشد. امنیت (و در پیوستار آن اقتصاد) جمهوری اسلامی، پایه و اساس امنیت جهان تشیع و اسلام است و نباید در راه پاسداری از آن از هیچ اقدامی دریغ کرد. امام خمینی خاطر نشان می‌سازند: «نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کُتد و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور



در بهترین وضعیت باشد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۹۴). «در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالابردن آموزش‌های عقیدتی و نظامی و توسعه تخصص‌های لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند و این کشور را برای دفاع از ارزش‌های اسلام ناب و محرومین و مستضعفین جهان در آمادگی کامل نگه دارند و مبادا توجه به برنامه‌های دیگر موجب غفلت از این امر حیاتی گردد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۳۵۷-۳۵۸). ایشان می‌افزایند: «با قبول و اجرای صلح کسی تصور نکند که ما از تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع تسلیحاتی بی‌نیاز شده‌ایم، بلکه توسعه و تکامل صنایع و ابزار مربوط به قدرت دفاعی کشور از اهداف اصولی و اولیه بازسازی است و ما با توجه به ماهیت انقلاب‌مان در هر زمان و هر ساعت احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابرقدرت‌ها و نوکران‌شان باید جدی بگیریم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۱۵۸). «حفظ استقلال و امنیت و بقای جنبه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی هر کشور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به قوای انتظامی ارتش، ژاندارمری و شهربانی آن است. و در کشور ما که در حال انقلاب به سر می‌برد. در کنار قوای انتظامی پاسداران انقلاب نیز موجود و به حفاظت انقلابی اشتغال دارند. و باید ملت محترم با تمام قوا کوشش در حفظ این قوای انتظامی و فعال نمایند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۹: ۲۵).

### استقلال، عدم‌وابستگی و خودکفایی

یکی از مواردی که در گفتمان امام خمینی بازتاب فراوان داشته، بحث استقلال و عدم‌وابستگی است. از دید ایشان: «ما در مرحله‌ای هستیم که تازه متولد شده‌ایم و من می‌گویم: اگر ما گرسنه باشیم و پیاده راه برویم و منزوی باشیم و به طرف خودکفایی حرکت کنیم، این بهتر از این است که وابسته و مرفه باشیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۵۲۴). «لازم است از نیروهای متعهد و متخصص مسلمان، جهت خودکفایی و استقلال هر چه بیش‌تر استفاده شود. به این معنا که ما بایستی استقلال فکری داشته باشیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۲۳۱). «مهم‌ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه‌جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهادت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ۱۵۸). ایشان به‌عنوان رهبر معنوی ایران بیان می‌دارند: «دست و بازوی همه کسانی که بی‌ادعا و

مخلصانه در صدد استقلال و خودکفایی کشورند، می‌بوسم... مردم باید تصمیم خود را بگیرند؛ یا رفاه و مصرف‌گرایی یا تحمل سختی و استقلال» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۳۳). ایشان خاطر نشان می‌سازند: «مشکل اقتصادی با دست خود ملت ان‌شاءالله حل بشود و ملت ما به خودکفایی ان‌شاءالله برسد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۵۱۷). «خودتان را به حد خودکفایی برسانید، به طوری که ما احتیاج به هیچ یک از کشورها نداشته باشیم، بلکه ان‌شاءالله، این فرآورده کشاورزان به جاهای دیگر و کشورهای دیگر هم ان‌شاءالله، صادر بشود» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۶۰). «فکر این معنا که «ما خودمان نمی‌توانیم» را از سر بیرون کنید که «ما می‌توانیم»» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۳۳۰).

### اقتدار ملی

مبانی استراتژیک و راهبردی در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی جایگاه ویژه‌ای دارد که به‌ویژه از رهگذر الزامات جنگ تقویت شده و استوارتر گردیده است. جنگ خلا امنیت و بایستگی توجه به مبانی نظامی و راهبردی را برای کارگزاران ارشد نظام برجسته‌تر نموده و آنان را به سوی واقع‌گرایی و عمل‌گرایی بیش‌تر سوق داد. برپایه این منطق، جمهوری اسلامی باید به گونه‌ای روزافزون بر اقتدار و هیبت خود می‌افزود تا زمینه افزایش امنیت خود را فراهم می‌آورد. این موضوع به‌ویژه از این زاویه اهمیت داشت که اقتدار و امنیت ایران به‌مثابه اقتدار و امنیت جهان تشیع، اسلام و در نهایت همه مستضعفان دنیا تعبیر می‌شد. «از جانب من و همه ملت ایران به همه مسلمانان اطمینان بدهید که جمهوری اسلامی ایران پشتیبان شما و حامی مبارزات و برنامه‌های اسلامی شما است و در هر سنگری علیه متجاوزان در کنار شما ایستاده است و از حقوق گذشته و امروز و آینده شما ان‌شاءالله دفاع خواهد کرد و به آنان بگوید که اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به همه ملت‌های اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملت‌های تحت ستم است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۴۵).

### اهمیت اقتصاد و رویارویی با حصر و تحریم اقتصادی

واقعیات موجود، انقلاب و جنگ و فضای تهدید و تحریم بایستگی پرداختن به اقتصاد را در راستای افزایش امنیت، قدرت و رفاه جمهوری اسلامی را برجسته نمود. امام خمینی در این راستا می‌گویند: «اقتصاد ما باید متحول بشود؛ اقتصاد وابسته به اقتصاد مستقل متبدل بشود»

(صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۶۰). «امروز می‌دانید که ما را دارند تهدید می‌کنند به حصر اقتصادی. خوب، ما باید فکر بکنیم برای این کار» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۴۰۰). «برای نجات اقتصاد کشور ما علمای اقتصاد داریم؛ آنان را به کار وامی‌داریم تا اولویت‌ها را معین کنند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۵۴۰). «اقتصاد ما یک اقتصاد مستقل و سالم و ملی است، براساس تأمین اساسی‌ترین نیازهای مردم محروم و ستمدیده ایران، نه فقط یک اقتصاد مصرفی» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۷۳). «اطمینان داریم که دیگر اقتصادی عقب‌مانده نخواهیم داشت و به نیازهای مردم محروم‌مان جواب مثبت خواهیم داد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۴: ۴۵۷). ایشان هشدار می‌دهند: «اگر آمریکا موفق بشود در این مطلبی که الان پیش آورده است که همه قدرت‌ها را دور خودش جمع کند و حصر اقتصادی بکند نسبت به ایران، ان‌شاء‌الله موفق نمی‌شود. لکن ما باید طرف احتیاط را بگیریم. اگر خدای نخواست، موفق بشود و ایران را در حصر اقتصادی از جهات مختلفه قرار بدهد که یک جهتش هم همین قضیه خواربارهایی است که ما احتیاج به آن داریم، خوب، ما قاعدتاً نمی‌توانیم دیگر مقاومت کنیم و این یک ضربه‌ای است که به نهضت ما می‌خورد که ضربه به اسلام است. پس تکلیف همه ماها هست که هر کس به هر مقداری که قدرت دارد در این امر کوشش کند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۴۱۴).

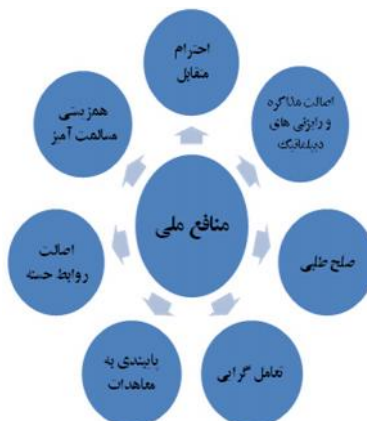
### مبانی دیپلماتیک گفتمان سیاست خارجی امام خمینی

سیاست خارجی ایران همواره درگیر نسبت‌یابی میان عوامل تدام و تغییر و سخت‌افزار و نرم‌افزار قدرت بوده است (Terhalle, 2009: 561). چهار عامل به ناپایداری و نوسان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک کرده است (هانتر، ۱۳۸۰: ۲۲۰-۲۳۰): نخست، غلبه سنت‌گرایی نوین در ساختار سیاسی ایران و نقش تعیین‌کننده آن در حوزه سیاست خارجی؛ دوم، ارزیابی ایدئولوژیک و غیرواقع‌گرایانه از توان خود؛ سوم، واکنش دیگر کشورها در نهادهای بین‌المللی نسبت به مبارزه‌طلبی انقلابی جمهوری اسلامی ایران و چهارم، تجدیدنظر در چشم‌انداز عقیدتی ایران. سیاست خارجی ایران برایندهم‌کنش میان موقعیت درون‌کشوری، سیاست‌های حزبی، محیط خارجی و رفتار ابرقدرت‌ها است (Ramazani, 1989: 202). در این فراگرد، مخاطره‌جویی سیاست خارجی ایران به‌طور پیوسته کم‌تر شده است (Parsi, 2012: 6) و (Abedin, 2011: 614). این موضوع در حالی رخ می‌دهد که انقلاب ۱۳۵۷ ژئوپولیتیک ایران را یک شبه تغییر داد؛ از نزدیک‌ترین و استراتژیک‌ترین هم‌پیمانان ایالات متحده تا تبدیل شدن به

یکی از سرسخت‌ترین دشمنان آن (Hadian, 2008: 573 و Rakei, 2003: 557). ایران پس از انقلاب سیاست‌های خارجی متفاوتی را برای دستیابی به اهداف خویش دنبال کرده است. اهداف حکومت اسلامی ایران میان منافع جهان اسلام، امت اسلامی (ملت اسلام) و منافع ملی ایران در نوسان بوده است (Soltani, 2010: 199).

جمهوری اسلامی در سایه رهبری امام خمینی، پس از هژمونی‌یابی بر پهنه گفتمانی کشور، اندک‌اندک رویه مثبت‌تری نسبت به اصول موضوعه و اولیه دیپلماتیک، به‌ویژه نسبت به مستضعفین و کشورهای اسلامی و غیرمتعهد از خود نشان داد. زاویه دیپلماتیک گفتمان سیاست خارجی امام خمینی ناظر بر کنش‌های استوار بر الگوهای پذیرفته شده گفتگو و مذاکره می‌باشد. این پهنه، جایگاه نمودیابی مصلحت‌گرایی و نوگرایی در گفتمان ایشان بوده، که به‌گرد نشانه مرکزی منافع ملی مفصل‌بندی شده است. به‌باور امام خمینی: «در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است، و همه باید تابع آن باشیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۳۳۵). این مصلحت‌ایجاب می‌کند که در کنار پاسداری از ارزش‌ها و باورداشت‌ها، قواعد پایه نظام بین‌الملل که از دید اسلام نیز پذیرفته است، را بستری برای تعامل و گفتگو با جهان قرار داد. نشانه‌ها و دال‌های دیپلماتیک برجسته دیگر در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی عبارتند از: احترام متقابل؛ اصالت روابط حسنه؛ عدم مداخله؛ صلح‌طلبی؛ همزیستی مسالمت‌آمیز؛ پایبندی به معاهدات و تعهدها؛ اصالت مذاکره و رایزنی‌های دیپلماتیک؛ تعامل‌گرایی؛ تنش‌گریزی (جلوگیری از انزوا و تحریم) و ... .

شکل (۵) سامانه مفصل‌بندی نشانگان دیپلماتیک در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی



### احترام متقابل و اصالت مذاکره در شرایط برابر

امام خمینی در تبیین این دو اصل دیپلماسی جمهوری اسلامی می‌گویند: «روابط ما با تمام خارجی‌ها براساس اصل احترام متقابل خواهد بود. در این رابطه، نه به ظلمی تسلیم می‌شویم و نه به کسی ظلم خواهیم کرد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۴۸). «جمهوری اسلامی ما با تمام ممالک روابط حسنه دارد و احترام متقابل قائل است، در صورتی که آن‌ها هم احترام متقابل قائل باشند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۵۷). امام خمینی با دیدگاهی واقع‌گرایانه بر آن است که «ما هرگز داخل درهای بسته زندگی نمی‌کنیم، ولی این درها را نیز برای استعمارگران باز نمی‌نماییم... با هر کشوری که مایل باشد با احترام متقابل عمل می‌کنیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۸۰). «در صورتی که یک دولت اسلامی مستقل متکی به آرای ملت سرکار آمد در آن موقع با هر دولتی که مایل باشد در زمینه‌های مختلف حاضر به مذاکره هستیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۳۴).

ایشان می‌افزایند: «روابط ما با جامعه غرب؛ یک روابط عادلانه است که نه زیر فشار ظلم آن‌ها خواهیم رفت و نه ظلمی بر آن‌ها روا خواهیم داشت. ما با آن‌ها به‌طور احترام متقابل رفتار خواهیم کرد و با آن‌ها اگر آن‌ها هم احترام متقابل را حفظ کنند و نخواهند بر ما تحمیل کنند و تجدیدنظر در این کارهایی که تاکنون بر ما - بلکه با شرق - کرده‌اند بکنند، ما با آن‌ها به‌طور خوب و روابط حسنه رفتار می‌کنیم... ما روابط حسنه با آن‌ها داریم. و اما با کمونیست‌ها؛ چون سوء قصد آن‌ها را نسبت به مملکت خودمان تاکنون احراز کردیم، نمی‌توانیم یک روابطی داشته باشیم مگر که آن‌ها هم دست از آن کارهایی که دارند بردارند و کمونیستی که در ایران هست به دامن خود ملت و اسلام برگردد که ما با آن‌ها هم به‌طور عادلانه خواهیم رفتار کرد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۳: ۵۱۵).

دیپلماسی عمومی در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی نمود فراوانی می‌یابد؛ چنان‌که حتی ملت آمریکا را نیز در برمی‌گیرد: «ملت‌های جهان الان به نفع شما هستند... در خود آمریکا هم ملت آمریکا کم‌کم بیدار می‌شوند و خواهد شناخت این ابرقدرت‌هایی که تحمیل می‌کنند خودشان را بر ملت‌ها» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۳۵۷). «حساب ملت آمریکا را با دولت آمریکا جدا کرده و می‌کنیم و از ملت آمریکا می‌خواهیم که از نهضت اسلامی ایران پشتیبانی کنند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۵۷).

### عدم مداخله و صلح‌طلبی

امام خمینی در واکاوی مبانی سیاست دیپلماتیک‌شان بیان می‌دارند: «ما اساس خوبی داریم برای استمرار مناسبات ما بر پایه جدید. یعنی بر پایه اصول احترام متقابل، تساوی حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۹۹). «ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران تسلیم احکام مقدس قرآن و اسلام‌اند؛ و به حکم قرآن مجید خود را برادر ایمانی تمام ملت‌های اسلامی و کشورهای مختلف از حیث فرهنگ و جغرافیا می‌دانند؛ و صلح‌جویی و زندگانی مسالمت‌آمیز را با تمام دولت‌ها و ملت‌ها طالب می‌باشند و تا دولتی به حریم کشور آنان تجاوز نکند و متعهد به احکام اسلام باشد، آن را برادر خود می‌دانند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۴۷).

ایشان خاطر نشان می‌سازند: «جمهوری اسلامی که بر مبانی فقه و احکام اسلامی استوار است چیزی نیست جز بشر دوستی و به نفع صلح و آرامش همه بشریت است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۵۳۷). «امیدواریم که صلح جهانی بر پایه استقلال ملت‌ها و عدم مداخله در امور یکدیگر و مراعات اصل حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه بنا گردد و هرگونه تعرضی به کشورهای دنیای سوم و اسلامی و بخصوص در این منطقه برخلاف موازین است که باید پایه و اساس درستی مابین ملت‌ها باشد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۱۵۳). «بار دیگر به کشورهای منطقه اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی، علی‌رغم اقتدار روزافزون خود در صحنه‌های سیاسی و نظامی و علی‌رغم پشتیبانی توده‌های میلیونی مردم که هر روز شاهد رژه با شکوه ده‌ها لشکر از نیروهای آموزش دیده آن هستیم، هیچ‌گاه در صدد توسعه و کشورگشایی نبوده‌ایم و همواره در صدد آنیم که با کشورهای اسلامی و [منطقه] در صلح و آرامش روابط دوستانه داشته باشیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۲).

### همزیستی مسالمت‌آمیز

در اندیشه امام خمینی: «آن‌چه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۹۵). ایشان به‌عنوان ایدئولوگ یک انقلاب و نظام مذهبی، همواره از علاقه و اشتیاق خود به همزیستی مسالمت‌آمیز مردم در سراسر گیتی سخن می‌گویند: «من از خدا می‌خواهم که به همه دنیا سلامت و به همه دنیا، به کسانی که مظلوم هستند قدرت و سلامت عنایت کند که همه همزیستی داشته باشند. همزیستی مسالمت‌آمیز باهم

داشته باشند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۳۲۴). ایشان رعایت عرف دیپلماتیک را از پیش نیازهای همزیستی کشورها می‌دانند که نادیده گرفتن آن مجاز نیست و برای نمونه در همین راستا در خوانش ماجرای اشغال سفارت آمریکا در ایران بیان می‌کنند: «قوانین بین‌المللی قوانینی است که می‌گوید کسی که مأمور، یعنی که از بلاد دیگر مأمورین دیپلماتی باشند و یک مرکزی باشد، سفارت باشد، این‌ها مأمورند. اما یک مرکزی که اصلاً از [عرف دیپلماسی] خبری نیست، اصلاً بساط این‌جا آن طوری که این‌ها رفتند و دیدند و عکس‌برداری کردند، بساط این‌جا بساط جاسوسی بوده، و بساط توطئه بوده. افرادش هم افراد توطئه‌گر بودند و جاسوس بودند، مجرم بودند در مملکت ما. باید در همین مملکت این‌ها به مسائل‌شان رسیدگی بشود و ما رسیدگی می‌کنیم ان شاء الله به جرایم این‌ها» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱۸۸).

### نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ایران پس از انقلاب، بیش از هر چیز از گفتمان امام خمینی در این پهنه سرچشمه می‌گیرد. رهبر فقید انقلاب اسلامی توانست با قرار گرفتن در جایگاه رهبری فرهمند و مورد پذیرش عام، قواعد و قوانین استوار بر خوانش ویژه‌شان از اسلام را در بدنه نظام جمهوری اسلامی به‌ویژه در عرصه سیاست خارجی نهادینه نماید. از دید این نوشتار این چارچوب معنایی بر پایه سه گانه ایدئولوژی، استراتژی و دیپلماسی تبیین‌پذیر است. جایگاه ویژه امام خمینی ایجاب می‌نماید که بیشینه برآیندهای نظری و رفتاری ایشان دارای درونمایه‌ای ایدئولوژیک باشد. امام خمینی، برداشت ویژه‌ای از فقه و شریعت اسلامی را به دست دادند که همه زمینه‌های زیست انسان را دربر گرفته و ساختارهای گوناگون جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. این اندیشه آرمان‌گرایانه استوار بر اسلام انتقادی، انقلابی، مکتبی و جهادی بود. در کنار این پهنه اساسی، دو حوزه دیگر نیز در گفتمان سیاست خارجی بنیانگذار انقلاب اسلامی دیده می‌شود؛ استراتژی و دیپلماسی. آرمان‌گرایی نهادینه در ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره در سایه واقعیات موجود در ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی تعدیل شده است. این بایستگی‌ها زمینه را برای واقع‌گرایی، عمل‌گرایی و مصلحت‌گرایی در سیاست خارجی فراهم آورده است. این امر به معنای بازگشت از ارزش‌ها و آرمان‌ها نیست، بلکه نمایان‌گر درک نظام از توان عینی خود، بازنگری در ترتیب اولویت‌ها و وسایل نیل به آن‌ها است. در اندیشه امام خمینی، حفظ نظام نخستین و کانونی‌ترین هدف می‌باشد و در راستای این

موضوع باید از همه ابزارها، با نگاهی واقع‌بینانه، عمل‌گرایانه و مصلحت‌اندیشانه بهره‌برداری کرد.

نوشتار پیش‌رو، ساختار و چارچوبی نظری و معنایی برای تحلیل گفتمان سیاست خارجی امام خمینی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع تغذیه این پهنه در جمهوری اسلامی ایران به‌دست می‌دهد که بر اساس آن، نگاهی چندوجهی به کنش‌های کلامی و رفتاری ایشان ضروری است. برپایه این منطق، گرچه نگاه امام خمینی در بن‌مایه خود ایدئولوژیک و اعتقادی است، اما فروکاست گفتمان سیاست خارجی ایشان به این حوزه خاص جز رسیدن به برداشتی قالبی و ناپویا ره‌آوردی ندارد. در گفتمان سیاست خارجی ایشان اسلام انقلابی، امنیت ملی و منافع ملی، هرچند با نسبت‌های گوناگون، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.



## منابع

- (امام) خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- احتشامی، انوشیروان، (۱۳۸۱)، «بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی»، ترجمه: محسن اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان.
- تاجیک، محمدرضا و جلال دهقانی فیروزآبادی، (۱۳۸۲)، «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران»، راهبرد، شماره ۲۷، بهار.
- دهشیری، محمدرضا، (۱۳۷۸)، «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، سیاست خارجی، سال ۱۳، شماره ۲، تابستان.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۹ الف)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ سوم، تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۹ پ)، «چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، صص ۱۱۱-۱۴۲، بهار.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۹ ت)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نظریه‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۰، صص ۱۱-۴۲، بهار.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۹ ب)، «مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم، صص ۴۹-۹۶، تابستان.
- رضانی، روح‌الله، (۱۳۸۶)، *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نی.
- منصور، جهانگیر، (۱۳۸۳)، *قانون اساسی ج.ا.ایران*، چاپ ۱۸، تهران: دوران.
- قهرمان‌پور، رحمان، (۱۳۸۵)، «تقابل آرمان‌گرایی درونی و واقع‌گرایی بیرونی در سیاست خارجی ایران در پرتو تحولات جدید»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، پاییز.
- قهرمان‌پور، رحمان، (۱۳۸۳)، «تکوین‌گرایی: از سیاست بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره دوم، تابستان.
- ملکی، عباس، (۱۳۸۲)، «فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران»، راهبرد، شماره ۲۷، بهار.

– هانتر، شیرین، (۱۳۸۰)، *اسلام و غرب*، ترجمه: همایون مجد، تهران: فروزان.

- Abedin, Mahan, (2011), “The Domestic Determinants of Iranian Foreign Policy: Challenges to Consensus”, *Strategic Analysis*, 35:4, 613-628.
- Abedin, Roshni Elizabeth, (2010), *Iranian-Israeli Relations: from Covert Relations to Open Hostility*, thesis Submitted to the Faculty of The School of Continuing Studies for the Degree of Master of Arts in Liberal Studies, Washington D.C. Georgetown University.
- Berger, Maurits, (2010), “Religion and Islam in Contemporary International Relations”, Netherlands Institute of International Relations "Clingendael", *Clingendael Diplomacy Papers*, No. 27.
- Bradley, Megan, (2007), “Political Islam, Political Institutions and Civil Society in Iran: A Literature Review”, International Development Research Centre (IDRC).
- Chubin, Sepehr, (1990), *Iran and the Persian Gulf States. In The Iranian Revolution and the Muslim World*, edited by David Menashri, Boulder/Col.: Westview Press.
- Dodson, Michael and Manochehr Dorraj, (2009), “Populism and Foreign Policy in Venezuela and Iran”, the Whitehead Journal of Diplomacy and International Relations.
- Downes, M. (2002), *Iran’s Unresolved Revolution*, Burlington: Ash gate Publishing Company.
- Frankel, Joseph, (1963), *The Making of Foreign Policy: An Analysis of Decision-Making*, London: Oxford University Press.
- Fürtig, Henner, (2008), “Idea Driven Foreign Policies in Comparative Perspective: Iran”, Paper prepared for the first Regional Powers Network (RPN) Conference at the German Institute of Global and Area Studies (GIGA) in Hamburg, Germany, 15-16.
- Hadian, Nasser, (2008), *Iran's Nuclear Program: Background and Clarification*, *Contemporary Security Policy*, 29:3, 573-576.
- Herzig, Edmund, (2004), “Regionalism, Iran and Central Asia”, *International Affairs* 80, 3, pp: 503-517.
- Hunter, Shireen T, (2010), *Iran’s Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International order*, Santa Barbara: Praeger.
- Kamrava, Mehran and Manochehr Dorraj, (2008), “Iran Today; an Encyclopedia of Life in the Islamic Republic”, Vol. 1, London: Greenwood Press.
- Keddie N. R. and M. Gasiorowski (eds.), (1990), *Neither East Nor West-Iran, the Soviet Union and the United States*, New Haven and London: Yale University Press.
- Keddie, Nikki R. (2006), *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*, the USA: Yale University Press.
- Kuznetsov, Oleg (2013), *Political Influence of Iran in the Middle East after 2003*, Bachelor’s thesis, Brno.
- Latorre, Aida Maria, (2006), *Role of Revolutionary Leadership in Iran on*

*its Foreign Policy*, A thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts in the Department of Political Science in the College of Sciences at the University of Central Florida, Orlando, Florida.

- Linabury, George, (1992), "Ayatollah Khomeini's Islamic legacy", in the book *Reconstruction and Regional Diplomacy in the Persian Gulf*, edited by: Hooshang Amirahmadi and Nader Entessar, London: Routledge.

- MacDonald, David B., Robert G. Patman and Betty Mason-Parker, (2007), *The Ethics of Foreign Policy*, Hampshire: Ashgate Publishing Limited.

- Marschall, Christin, (2003), *Iran's Persian Gulf policy; From Khomeini to Khatami*, London: Routledge Curzon.

- Martin, Vanessa, (2003), *Creating an Islamic State; Khomeini and the Making of a New Iran*, London: I.B.Tauris & Co Ltd.

- Mozaffari, Mehdi, (1999), "Revolutionary, Thermidorian and Enigmatic Foreign Policy: President Khatami and the 'Fear of the Wave'", *International Relations*, 14: 9.

- Parsi, Rouzbeh, (2012), *Iran: a Revolutionary Republic in Transition*, Institute for Security Studies (EUISS), Chaillot Papers.

- Rakel, Eva Patricia, (2008), *The Iranian Political Elite, State and Society Relations, and Foreign Relations since the Islamic Revolution*, Geboren te Duren, Duitsland.

- Rakel, Eva, (2003), "Paradigms of Iranian Policy in Central Eurasia and Beyond", *Perspectives on Global Development and Technology*, Volume 2, Issue 3-4.

- Ramazani, R.K., (1989), "Iran's Foreign Policy: Contending Orientations", *Middle East Journal*, 43, 2: 202-217.

- Sadeghi, Ahmad, (2008), "Genealogy of Iranian Foreign Policy: Identity, Culture and History", *The Iranian Journal of International Affairs* Vol. XX, No.4: 1-40, Fall.

- Saikal, Amin, (2009), *The Rise and Fall of the Shah*, Princeton: Princeton University Press.

- Salamey, Imad and Zanoobia Othman, (2011), "Shia Revival and Welayat Al-Faqih in the Making of Iranian Foreign Policy", *Politics, Religion & Ideology*, 12:2, 197-212.

- Soltani, Fakhreddin, (2010), "Foreign Policy of Iran after Islamic Revolution", *Journal of Politics and Law*, Vol. 3, No. 2.

- Terhalle Maximilian, (2009), "Revolutionary Power and Socialization: Explaining the Persistence of Revolutionary Zeal in Iran's Foreign Policy", *Security Studies*, 18:3, 557-586.